

## « قدیمت اناجیل »

پیامبران برگزیدگان حق‌اند که احکام الهی را برای رهبری مردم بسوی حق بشکل وحی میگیرند و بمردم میرسانند . این برگزیدگان که آئینه دلشان از زنگار اغیار پاک گشته مجلای این احکام میگرددند . درحقیقت پیامبران واسطه‌ی میان حق و خلق‌اند؛ حق پیام خود را برای نجات خلق بصورت «وحی» برضمیر منیر آنان نازل میفرماید تا بمردم برسانند . منظور از شریعت و طریقت و حقیقت معرفت همین رهبری و دستگیری و سیروسلوک و فانی شدن از خود و اتصال بحق و بقا بعد از فناست .

ولی این احکام الهی که بصور گوناگون از قبیل تورا و انجیل و غیره باقی مانده و بما رسیده «مع الواسطه» تدوین یافته است ، بدین معنی که پیروان این پیامبران اند که پس از درگذشت پیشوایان نشان احکام آنان را مدون نموده و بشکل کتب مقدس در آورده‌اند ، کما اینکه بخش عمده‌ی کتابی را که زردشت بنام اوستا گرد آورده در فتنه اسکندر و عرب و مغول نابود شد و آنچه از آنهمه یشتها و یسناها و خرد و اوستا و وندیداد و غیره برای پیروان زردشت باقی ماند ، تنها «کاتاها» است که میتوان از گفته‌های خود زردشت شناخت و پس .

حضرت محمد است که آنچه از جانب جناب حق بوسیله «وحی منزل» بدو رسید کلمه بکلمه بکتابت در آورد و مجموع این احکام الهی است که اینک بصورت «قرآن کریم» جلوه نموده و مدون گشته و چهارده قرن است که در دل صدها ملیون مسلمان نقش بسته و بر زبانها جاری گشته است .

در عصر حاضر مسیحیان سرمشق و پیشرو و علوم و صنایع میباشند و برای تقویت شیوه‌های مادی و آبادانی جهان پیوست کوشش منیمایند و در عین حال امور روحانی و نیروهای معنوی را از نظر دور نداشته و برای نگهداری معنویات و استوار ساختن روحيات ملتهای خود گامهای سریع و محکمی پیش می‌نهند و برای بسط و توسعه‌ی جهان مادی کره‌ی زمین راه فضا و کرات معلق را در پیش گرفته و برای تسخیر فضا میکوشند و با دست دیگر پرده‌های قرون و اعصار را شکافته در جستجوی حقایق تاریخ انسان و آثار تطورات فکری و محصولات عقلانی او میباشند ، زیرا تمایلات و اتجاهات فکری و عقاید هر قوم هسته اصلی و ریشه‌ی آیشخور مجتمعات انسانی میباشد .

عنايت دين بهترين داروي روانبخش و نيرودهنده روحيات ملتها ميباشد .

کتاب دینی هر مذهب از جمله مثلا مذهب مسیح و در سر لوحه‌ی آنها کتب آسمانی مسیحیان یعنی (انجیل مقدس) از منابع و سرچشمه‌های فضائل انسانی میباشد .

الواح ملکوتی عهدین مشعلهای فروزانی بوده که رادمردانی بزرگ در ادوار تاریک جهان گذشته فراراه مردم داشته‌اند این معلمان بشریت گمگشتگان وادی چهل و فساد را با بیانات آسمانی خود بقلل مکارم و فضائل انسانی رهنمون میگرددند .

کتاب آسمانی گذشته الحق طرحائی بود که مدائن فاجره و فاسقه را تبدیل بمدائن فاضله نموده تا انسان سرگردان را در جنان عدن سعادت مرفه سازند .  
گذشت زمان و ایادی جهل و نادانی و هزاران عوامل دیگر زمانی و مکانی همه چیز را در هم و برهم و آشفته و پریشان میسازد نسخ عهدین ازین سوانح و بیداد زمان دورنمانده و نسخه های آن غالباً دستخوش اغلاط ناسخان و کاتبان گردیده است ،

مؤمنین ، مسیحیان و آنتهای که دارای روح حقیقت جوی میباشند سالها و شاید قرنها در جستجوی نسخه های قدیم و صحیح عهد جدید بوده تا اینکه بچندین نسخه دست یافته اند .  
قدیمترین نسخه ی کتاب عهد جدید ( انجیل ) که تا بحال بدست آمده نسخه ایست موسوم بریلند Ryland در حدود سال یکصد و بیست و پنج میلادی نوشته شده از انجیل یوحنا میباشد و نسخه ی قدیمی دیگری موسوم بنسخه ی «بتی» که توسط دانشگاه میشیگان در آمریکا و آقای چستری انگلیسی خریداری گردید شامل یازده کتاب نه کتاب آن متعلق بعهد عتیق (تورا) و پانزده کتاب تعلق بعهد جدید ( انجیل ) داشته و قسمتی از رسالات پولس جواری و تاریخ کتابت آن در سال دوست میلادی بوده است . و نسخه های دیگری هم بزبان سریانی چهار انجیل کشف شده که در صومعه ی «سان کاترین» در شعاع کوه سنیا بدست آمده .

نسخه سنیا ئی : متعلق بابندای قرن ۴ و در قسطنطنیه نوشته شده و شاید سفارش قسطنطین باشد و در صحرائ سنیا سالها در کتابخانه های کلیسای ارتودکس نگهداری میشد و در نتیجه ی دو مرتبه مسافرت پرفسور تیشین دوف بمشرق زمین و بانفوذ امپراطودی روسیه نسخه ی سنیا ئی بر روسیه منتقل و نگهداری گردید و بالاخره بمبلغ یکصد هزار لیره بانگلیسها فروخته شد در سال ۱۹۳۴ و همچنین نسخه ی واتیکان که تعلق بقرن ۴ دارد و فوق العاده با دقت نوشته شده است .

### «یوحنا فرزند زبده و یوحنا ی پیر»

مورخ مشهور قرن ۴ اسلیبوس از قول پاپیاس که در قرن ۲ بوده میگوید دو یوحنا وجود داشته یوحنا ی رسول و یوحنا ی پیر زیرا کتاب مکاشفات یوحنا از نظر پایه ی نویسنده گی و نحوه ی تفکر با انجیل یوحنا تفاوت بسیاری داشته و سه ساله ی یوحنا از نویسنده ی انجیل یوحنا است و دو رساله ی کوتاه نویسنده ی آن خود را بنام «پیر» معرفی مینماید .

### «یوحنا فرزند زبده»

ابتداء یوحنا باشغل ماهیگیری نزدیحیی (۱) و بعد از مرگ او در عباد شاگردان عیسی

(۱) گفتار عیسی ناصری درباره ی یحیی «بشما میگویم که از اولاد زنان بزرگتری از یحیی تعمید دهنده برنخاست» یحیی مردم را بترک گناه و تعمید دعوت مینمود .  
هیرو دیس تیرارخ در آن موقع حاکم یهودیه بود بخاطر هیرو دیا زن برادر فیلیپس یحیی را در زندان افکند زیرا یحیی گفته بود نگاهداشتن زن برادر بر تو جایز نیست موقع بزم میلاد هیرو دیس دختر او در مجلس رقص کرد و پدرش وعده داد آنچه بخواهد بد و بدهد از ترغیب مادر خود گفت سر یحیی تعمید دهنده را آلان در طشتی بمن عنایت فرما فرمود که بدهند و فرستاده سر یحیی را در زندان از تن جدا کردند و سر را در طشتی گذارده بدختر تسلیم نمود و آنرا نزد مادر خود برد .

ناصری محسوب و تا سال هفتادمیلادی موقعیکه بیت المقدس بدستور Titus سردار رومی بوسیلهی سر بازاریش محاصره شده بود عازم آسیای صغیر در شهر افسس Ephesus در دوروی حکومت Domition بسخنی مجروح و مورد شکنجه واقع و سپس بجزیره ی پاتمس Patmos تبعید گردید و با تملیمات بشارقی او معبد عظیم Artemis که مورد احترام مردم آن سامان بود تعطیل گردید.

«نظر نویسندگان درباره ی انجیل یوحنا فرزند زبده»

نویسنده ی مشهور قرن ۳۰۲ Tertullian «ترتالیین» در کتاب De praescriptioni Bus دپرای اسکرپ تی او نیوس» تصریح نموده یوحنا بامر امپراطور Domition در شهر Ephesus و بجزیره ی Patmos تبعید گردید و نویسنده ی کتاب Synspis «سی نب سس» نظرا و را تصدیق میکند و مهمترین شهادت در باره ی نوشجات یوحنا شهادت اسقف بزرگ Theophilus «ته اوفیلس» در کتاب Ecclesiastical history «اکلیزی اس تیکل» از مخالفان یوحنا و از تابعین فرقه ی مذهبی Valentinus «ولن تی نس» بوده که نوشجات یوحنا را در اختیار داشته است و مورخ معروف «بهسی لی دس» Basilides که مختصری بعد از یوحنا بوده نوشجات او را گواهی میکند و میگوید یوحنا کلیه وقایع و نوشجات خود را بچشم دیده و همچنین دو نفر از مورخین قرن دوم میلادی «آی-رن اس Irene» - پلی کارپ «Polycarp» نوشجات یوحنا رسول را تصدیق میکنند.

### «انجیل یوحنا»

«در ابتدا کلمه بوده (۱) و کلمه نزد خدا بود و کلمه خدا بود و کلمه جسم گردید و در میان ما ساکن شد (۲) و نسبت بتولد جدید میگوید شخصی از علمای اسرائیل نيقوديموس از فرقه ی فریسیان در شب نزد عیسی آمد و گفت تعلیمی روحانی بمن اعطاء کن عیسی فرمود «اگر از سر نومولود نشوی هر گز ملکوت خداوند را نمیتوانی دید» نيقوديموس پاسخ داد که انسان پیر شده از سر نو مولود شود و ممکن است بار دیگر داخل شکم مادر گشته مولود شود عیسی گفت

(۱) در ابتدا کلمه بود: لفظ ابتداء اشاره است بنخستین آیه کتاب تورا «در ابتداء خداوند آسمانها و زمین را آفرید» کلمه: در زبان یونانی «لوگوس» گویند Logos و فلاسفه ی یونانی آن واژه را بمعنی عقل و کلام و سخن در آثار و نوشته های خود برای پی ریزی اساسی کلام که حافظا انتظام و ترتیب باشد بکار می بردند و یوحنا کلمه را بمنزله ی نام تجلی دهنده در زبان یونانی استعمال نموده است

(۲) قال رسول الله صل الله علیه وآله وسلم: علمای امتی افضل من انبیاء بنی اسرائیل:

«حاجی سید محمد انواری ساکن طهران گفت» در سال ۱۳۰۵ شمسی شخصاً در حال ذکر جلی حلقه ای که با توجه دستور مستقیم سر حلقه ی اهل یقین ظهور علی شاه یزدی (۱۳۰۰- ۱۳۴۸) قمری آقای آقا سید اسداله الحسینی نوراله برهانه تشکیل میشد مشاهده کردم ذکر با کلمات نورانی نوشته شده همان جسم آنها وجود منور برهان الواصلین سید ما ظهور علی شاه بود که در میان ما میدرخشید و ساکن شد»

«اگر کسی از آب و روح مولود نگر دم ممکن نیست که داخل ملکوت خداوند شود و آنچه در جسم مولود شد جسم است و آنچه از روح مولود گشت روح است»

### تعلیمات ملکوتی مسیح عیسی «در شام آخر»

وقبل از عید فصح چون عیسی دانست که ساعت (۱) اورسیده است خاصان خود را که درین جهان محبت مینمودایشان را تا آخر محبت نمود از شام برخواست و جامه‌ی خود را بیرون کرد و دستمالی گرفته بکمر بست پس آب در لکن ریخته بشتن پایهای شاگردان و خشکانیدن آنها بادستمالی که بکمر داشت و چون پایهای ایشان را شست رخت خود را گرفته باز نشست و بدیشان گفت آیا فهمیدید آنچه بشما کردم شما را استاد میخوانید پس اگر من که استاد و معلم هستم پایهای شما را شستم بر شما واجب است که پایهای یکدیگر را بشوئید زیرا بشما نمونه‌ی دادم تا چنانکه من بشما کردم شما نیز بکنید بشما حکم تازه می‌دهم که یکدیگر را محبت نمائید چنانکه من شما را محبت نمودم تا شما نیز یکدیگر را محبت نمائید بهمین جهت همه خواهند فهمید که شاگردان من هستید اگر محبت یکدیگر را داشته باشید همچنانکه پدر مرا محبت نمود من نیز شما را محبت نمودم اینست حکم من که یکدیگر را محبت نمائید»

### «در محبت خوف نیست بلکه محبت کامل خوف را بیرون می‌اندازد»

«ای جیبیان یکدیگر را محبت بنمائیم زیرا که محبت از خداست و هر که محبت مینماید از خداوند مولود شده است و خداوند را می‌شناسد و کسی که محبت نمینماید خداوند را نمی‌شناسد زیرا که خداوند محبت است و محبت خداوند بما ظاهر شده است نه آنکه ما خداوند را محبت نمودیم بلکه اینکه او ما را محبت نمود... ای جیبیان اگر خداوند با ما چنین محبت نمود ما نیز میباید یکدیگر را محبت بنمائیم کسی هرگز خداوند را ندید اگر یکدیگر را محبت نمائیم خداوند در ما ساکن است و محبت او در ما کامل شده است ازین میدانیم که در وی ساکنیم و او در ما زیرا که روح خود را بمانده است و ما ندانستیم و باور کرده ایم آن محبتی را که خداوند با ما نموده است خداوند محبت است و هر که در محبت ساکن است در خداوند ساکن است و خداوند در وی محبت در همین با ما کامل شده است تا در روز آخر ما را باشد زیرا چنانکه او هست ما نیز در این جهان همچنین هستیم در محبت خوف نیست بلکه محبت کامل خوف را بیرون می‌اندازد زیرا خوف عذاب دارد و کسیکه خوف دارد در محبت کامل نشده است ما او را محبت مینمائیم زیرا که او اول ما را محبت نمود اگر کسی گوید خداوند را محبت مینمایم و از برادر خود نفرت کند دروغ گو است زیرا که کسیکه برادر برادر را دیده است محبت ننماید چگونه ممکن است خداوند برادر را که ندیده محبت نماید و این حکم را یافته‌ایم که هر که خداوند را محبت مینماید برادر خود را نیز محبت مینماید» انجیل یوحنا ۱۳ و ۱۴ و رساله‌ی ۱ یوحنا‌ی رسول ۴

ناتمام

۱۴ و رساله‌ی ۱ یوحنا‌ی رسول ۴

(۱) رساله پولس رسول بملاطیان ۴: ۱۰ و ۹: ۱۶ و بکولوسی‌ان ۲: ۱۶ «اما الحال خداوند را می‌شناسید بلکه خداوند شما را می‌شناسد چگونه بر میگردید بسوی اصول ضعیف که دیگر می‌خواهید از سر نو آنها را بندگان کنید روزها و ماهها و فصل‌ها و سالها را نگاه میدارید پس کسی در باره‌ی خوردن و نوشیدن و در باره‌ی عید و هلال و سبت بر شما حکم نکند»